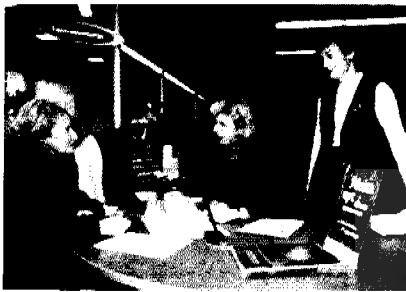


سیر تحول تعاونی‌ها در فنلاند

بررسی پیدایش و تحول اتحادیه پلرو

زهرا حدادی - سجاد میرزاپور



است که بیشتر در جنوب و غرب این کشور متمرکز می‌باشد.

فنلاند به دلیل دارا بودن سواحل آبی طولانی و اقتصاد صنعتی و تجارت پایه، دارای بنادر متعدد و فعالی می‌باشد. از جمله آنها می‌توان به بنادر هلسینکی، تورکو، پورتی، آولو، کوتکا و هانکو اشاره کرد.

شهرهای مهم فنلاند که در نواحی جنوب، جنوب غربی و شرقی و نیز در غرب آن واقع شده‌اند عبارتند از، هلسینکی (پایتخت)، تورکو (پایتخت قبلی)، تاپره، آولو، اسپو، لاهتی، یوواسکولا، کرایپو، کوتکاپوری (خشکیجاری، ۱۳۷۴، ۵-۳)

تعریف تعاون

تعاونی سازمانی است که تحت مالکیت اعضا قرار دارد و به منظور سود رسانی به کسانی که از خدمات آن استفاده می‌کنند، تشکیل می‌شود. تعاونی‌ها در بخش‌هایی نظیر فرآوری و بازاریابی محصولات کشاورزی، خرید تجهیزات و مواد خام، و در عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، برق، بانک‌ها و

و شش درصد را برای طول این دوره نشان می‌دهد (AAAS, ۱۰۴, ۲۰۰۰). همچنین این کشور در زمینه استفاده از اینترنت از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. به طوری که آمار نشان می‌دهد، استفاده کنندگان از اینترنت در سال ۱۹۹۰ از ۵۲ نفر از هر هزار نفر به ۸۶۷ نفر در هر هزار نفر در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است (۱۸۴, ۲۰۰۴, HDR).

زمین فنلاند در فصول مختلف سال، تحولات متفاوتی به خود می‌گیرد؛ به طوری که در تابستان گرم و کوتاه یکی از مناطق شمالی فنلاند، به نام لاپلند به مدت دوماه خورشید غروب نمی‌کند و در زمستان سرد و طولانی آن نیز خورشید به مدت دو ماه طلوع نمی‌کند.

فنلاند یکی از کشورهای جنگلی دنیاست که شصت درصد خاک آن از جنگل‌های صنعتی پوشیده شده است، که یکی از پایه‌های اقتصادی آن را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر به دلیل سرما و یخبندان طولانی فقط یک دهم از خاک فنلاند قابل کشاورزی

معرفی فنلاند

فنلاند کشور دریاچه‌ها و جزایر، مساحتی بالغ بر ۳۳۸ هزار کیلومتر مربع در شمال اروپا را شامل می‌شود. این کشور که پنجمین کشور پهناور اروپاست از شرق با روسیه، از شمال با نروژ و از غرب با سوئد همسایه است (همایون خشکیجاری، ۱۳۷۴، ۵-۳). این کشور یکی از کشورهای ثروتمند اروپا می‌باشد به طوری که مقام این کشور در رتبه بندی توسعه انسانی سازمان ملل مقام سیزده می‌باشد. درآمد سرانه این کشور در سال ۲۰۰۲ برابر ۲۶ هزار و ۱۹۰ دلار آمریکا بود. (HDR, ۱۳۹, ۲۰۰۴) و درآمد ناخالص ملی آن در همان سال برابر ۱۳۱,۵ میلیارد دلار آمریکا بوده است (HDR, ۱۸۴, ۲۰۰۴).

فنلاندی‌ها همچنین از زندگانی مرفهی نیز برخوردار هستند، به طوری که این کشور در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۸ بیشترین آمار رشد مالکیت وسایط نقلیه را داشته است، به طوری که این آمار از ۲۲۸ خودرو برای هر هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به ۴۴۸ خودرو در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. این آمار رشد نود

اعتبارها و صنایع ساختمان سازی موفق بوده اند (Britanica, ۱۹۹۰, ۶۰۵, vol ۳).

تعاون در فنلاند

در فنلاند بیش از هر کشور دیگری مردم عضو تعاونی ها هستند. جمعیت عضو تعاونی ها در حدود ۵/۴ میلیون نفر هستند (این در حالی است که جمعیت فنلاند بالغ بر ۵/۲ میلیون نفر است) (اینترنت - pellervo.fi)

سابقه تعاون

تعاون بخش مهمی را در اقتصاد فنلاند تشکیل می دهد. جنبش تعاونی فنلاند در زمانی نسبتاً متاخرتر از بسیاری کشورهای اروپایی آغاز گردید. در این کشور از زمان های بسیار دور "شرکت های کار" بین همسایگان وجود داشته است و این سنت دیرینه موجب سهولت و توفیق نهضت تعاونی در آن کشور شده است. بخش تعاونی در کشور فنلاند به استثنای ایسلند و اسرائیل، شاید از هر کشور دیگری در جهان گسترده تر باشد. از هر خانواده دو نفر یا بیشتر، عضو یک یا چند شرکت تعاونی هستند. روشن است در کشوری که نهضت تعاونی تا به این حد رشد یافته باشد، قاعدتاً در افکار عمومی نیز، ریشه های عمیقی به هم رسانیده باشد. از آن جا که احزاب سه گانه، که مجموعاً سه چهارم از کرسی های پارلمان را در دست دارند، نسبت به شرکت های تعاونی دارای روشی کاملاً مساعد هستند. به خودی خود معلوم می شود که تسلیم لواجیحی که بتوان آن را مساعد به حال شرکت های تعاونی تلقی کرد در پارلمان معمول خواهد بود. سرانجام باید یادآور شویم که از بدو تاسیس دولت فنلاند در سال ۱۹۱۷، دولتی وجود نداشته است که در آن یک وزیر به نمایندگی از شرکت های تعاونی حضور نداشته باشد. شرکت های تعاونی فنلاند به طور کلی واحد های نسبتاً بزرگی هستند؛ که این یکی از عوامل پیشرفت آنها می باشد. تمایل به تاسیس واحدهای بزرگ، به

خصوص در مورد شرکت های تعاونی تلفن و فروش شیر و اعتبارات، با تمام قدرت همچنان ادامه دارد. در مورد شرکت های تعاونی های مصرف، امروزه این جریان تا بدان حد پیش رفته است، که تمرکز بیش از این دیگر چندان مطلوب به نظر نمی آید. از نظر رقم معاملات، بیش از یک هشتم صنایع و بیش از یک چهارم تجارت عمده و حدود یک سوم از خرده فروشی، متعلق به شرکت های تعاونی فنلاند است. «(نامعلوم، ۳۵۰)

اصول و قوانین تعاون

فعالیت های تعاونی در فنلاند در اوایل قرن بیستم سازماندهی شد. با تاسیس اتحادیه پلروو در سال ۱۸۹۹ برای توسعه تعاونی های روستایی و تصویب قوانین تعاونی در سال ۱۹۰۱ زمینه های مساعد برای تعاون در فنلاند گسترش یافت.

۱- اصول

اصول فعالیت های تعاونی فنلاند بر پایه استانداردهای پذیرفته شده بین المللی است.

۲- قانون

در قوانین فنلاند، قانون تعاونی از سال ۱۹۵۴ قانون کلی محسوب می شود؛ که در تمامی شرکت های تعاونی به کار برده می شود. علاوه بر این، بانک های تعاونی از قوانین خاصی پیروی می کنند. فقط چند ضمانت اجرایی در قانون سال ۱۹۵۴ پیش بینی شده است. قوانین احتیاطی به حد کافی نظام نامه تعاونی را قابل انعطاف می کنند تا از کیفیت و توسعه فعالیت ها جلوگیری نکنند (اینترنت - wisc.edu)

اتحادیه تعاونی های

فنلاندی زبان

اتحادیه پلروو: سازمانی خدماتی و ذینفع برای شرکت های فنلاندی است. فعالیت های پلروو شامل شرکت های تعاونی و همچنین شرکت های خصوصی که مالکیت تعاونی دارند، می شود. این

اتحادیه به عنوان اتحادیه تخصصی تعاون، در زمینه های تحقیقات، آموزش و خدمات ارتباطی به اعضا کمک های تخصصی ارائه می کند. این اتحادیه همچنین در کمیسیون با همکاری اعضاء، در زمینه ارتباطات و پروژه های آموزشی، آموزش های لازم در زمینه این فعالیت ها را به اعضای خود ارائه می دهد.

اتحادیه پلروو در همکاری با اعضا، طرح چارچوب فعالیت اعضا را ارائه می دهد. اتحادیه پلروو عضو چندین سازمان بین المللی تعاون است که شامل سازمان های CEA, ICA, COGECA, IFAP, NBC می باشد. از طریق این سازمان های بین المللی، پلروو به اعضا خود، آگاهی های لازم در مورد آخرین تغییرات بین المللی و همچنین بازارهای موجود ارائه می دهد. (اینترنت pellervo.fi)

مراحل رشد و توسعه تعاونی

رشد و توسعه تعاونی در فنلاند چهار مرحله کلی را شامل می شود که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- پیدایش و تاسیس تعاون؛ که این مرحله از اواخر قرن نوزدهم شروع شده و تا اوایل قرن بیستم ادامه پیدا می کند.
- ۲- رشد و توسعه، از ۱۹۰۰ تا دهه ۱۹۴۰
- ۳- تحکیم و تمرکز گرابی، از دهه ۱۹۴۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰
- ۴- اصلاح و تمرکز زدایی، از دهه ۱۹۸۰ تا حال را شامل می شود.

۱- پیدایش و تاسیس تعاون

در فنلاند

پیدایش نهضت تعاون فنلاند راهکاری بود برای گریز از کاپیتالیسم و سوسیالیسم در گیر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و دست یابی به راهبرد سوم یعنی تعاون. در آستانه قرن بیستم که دو مدل سیاسی کاپیتالیسم و سوسیالیسم در حال درگیری بودند و هر دو سیستم در فنلاند

به شدت به حمایت گروه های کشاورزی احتیاج داشتند، نظریه تعاونی Hannes Gebhard در سال ۱۸۹۹ راه گشای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی فنلاند شد. در نزاع میان دو مدل کاپیتالیسم و سوسیالیسم، تعاون شیوه سومی برای پر کردن چاله اقتصادی و اجتماعی فنلاند شد. در جایی که شیوه های منسوخ و مستعمل کشاورزی رایج بود پیوستن به کاپیتالیسم به هیچ عنوان به نفع کشور نبود؛ چه در آن صورت کشور فقط به عنوان صادر کننده صنایع جنگلی کم اهمیت و ارزان شناخته می شد و همچنین پیوستن به مدل سوسیالیسم سبب ذوب شدن فنلاند در منجلاب اتحاد جماهیر شوروی می گشت. انتخاب شیوه تعاون مفری بود از گرفتار شدن در این دو مدل.

تعاون از یک سو با به کار گیری سیستم بازار آزاد کاپیتالیسم و از دیگر سو با توسل به راه سوم که مدل سوسیالیستی رانفی می کند، و با تشریک مساعی و آزادی در عمل عجين است، مدلی فعال و پویا را به جهان معرفی می کند.

جواب فنلاندی ها برای تغییرات اساسی ۱۸۹۹ در کشور خویش، نظریه تعاونی Hannes Gebhard بود و هم اکنون پس از گذشت بیش از یکصد سال از این موضوع مسئله اساسی در غرب، رابطه پیچیده تعاون، رقابت و کاپیتالیسم است.

Hannes و Hedving Gebhard به گمان خیلی از مردم معمار تعاونی فنلاند بودند. شاید بدون تلاش و تحقیقات آنها جای شک بسیار بود که امروزه نهضت تعاون فنلاند با چنین رشد عظیمی روبرو می شد. Hannes Gebhard که در سال ۱۸۹۰ دکترای تاریخ خود را از دانشگاه هلسینکی دریافت کرده بود در آتش ناسیونالیستی عصر خویش شعله ور بود. او معتقد بود که نجات ملت فنلاند در کشاورزی نهفته است زیرا این ملت حیات خویش را مدیون جنگل ها و مراتع بودند. او که فرزند

یکی از کارمندان جنگلبانی بود، در سفرهای خویش به اقصی نقاط کشور مشکلات رعایا و کشاورزان را دیده بود. در نهایت "Hannes Gebhard" تاریخ را رها کرد و در رشته مورد علاقه خویش یعنی "نقش کشاورزی در اقتصاد ملی" ادامه تحصیل داد. زمانی که وی در رشته "اقتصاد کشاورزی" از آلمان و آتریش بورس تحصیلی دریافت کرد با همسر خویش به آنجا رفت.

Hannes در طی سفرهایش با Hedving Gebhard که متعلق به خانواده ای تاجر بود آشنا شد. Hedving پس از تحصیلات دبیرستانی اش، برای ادامه تحصیل به استکهلم مسافرت کرد، پس از راجعت به هلسینکی اجازه ورود به دانشگاه را یافت. در آن زمان اتفاق نادری بود که زنی همبای مردان بر روی نیمکت دانشگاه بنشیند. به دلیل سوئدی زبان بودن، Hedving مجبور بود که زبان فنلاندی را با دکتر Gebhard بگذراند. در طول دوره تحصیل، آنها در سال ۱۸۹۱ با همدیگر ازدواج کردند. پس از آن "Hedving" به خاطر کمک به تحقیقات شوهرش دست از دانشگاه کشید.

مسافرت های اروپایی سبب علاقه مندی آنها به تعاون شد. به زودی متوجه شدند، که تعاون همان چیزی است که سبب رهایی مردم از فقر و بدبختی خواهد شد.

با بالا گرفتن اعتراض های مردم در سال ۱۸۹۹ علیه دولت روسیه، "Gebhard" به این نتیجه رسید که برای اتحاد ملت و بالا بردن سطح آگاهی آنها از طریق تحصیلات تکمیلی، و کامیابی بخش بزرگی از مردم، یعنی خرده مالکان امکان پذیر است. این ایده سبب شکل گرفتن اتحادیه پلروو در سال ۱۸۹۹ جهت انتشار تعاون در سراسر کشور شد.

نزدیک ترین شرکت های تعاونی به OKO و Hannes، Hankkija بانک بودند. زیرا اولی به کشاورزان جهت تامین خدمات و تجهیزات کشاورزی یاری

می رساند و دومی به آنها در جهت توسعه کشاورزی با دادن وام کمک می کرد. با شکل گیری SOK، او در خواست کرد که این شرکت نیز عضو اتحادیه پلروو شود.

Hannes در تاسیس تعاونی ها همیشه به این مطلب پایبند بود که اگر کسی به مخالفت با آنها بر نخیزد می بایست در این مسئله شک کرد. نظر وی این بود که اختلاف نظرها نباید علامت ضعف شمرده شوند، زیرا آنها نظیر صحنه های تاریک و روشن زندگی هستند که یافتن جواب برای نظرهای مخالف سبب تقویت تعاونی خواهند شد.

Gebhard عقیده داشت که با توسعه تعاونی ها مردم می توانند به این باور برسند که کالاهای تولیدی آنها توان رقابت در صحنه بین المللی را دارند. او به رابطه با تعاونی های ملل دیگر اهمیت خاصی قایل بود. به همین سبب به دلیل شباهت ایرلند و دانمارک به فنلاند، علاقه خاصی به تعاونی های آنها داشت. او همچنین به تعاونی اعتباری رایفایزن آلمان نیز علاقه مند بود (Kuisma-۲۵، ۱۹۹۹، ۲۸).

جنبش تعاون پلی بود برای پیوند طبقات آموزش دیده و مردم عادی. تعاون همچنین وسیله ای بود برای گسترش حس برادری به صورت محلی در طبقات و برای اتحاد روشنفکران جدا شده از لحاظ سیاسی در ورای حس مشترک میهن پرستی.

دیدگاه تعاون گرایان شروع کردن از یک صنعت خاص و بسط و توسعه مرحله به مرحله آن به صنایع دیگر بود. با توجه به آزادی خاص کشاورزان و زمین های کشاورزی، نظریه ایجاد تعاون در ابتدا متمرکز بر بازاریابی محصولات کشاورزی بود. نتیجه چنین عملی دوری از جامعه سرمایه - داری بود که تمامی ثروت ها در محل خاصی جمع بود و حرکت به سوی جامعه صنعتی بود که دغدغه هر صنعتی بالا بردن سطح زندگی اعضا و کارگران خود بود. دستیابی به چنین هدفی در قدرت و عملکرد هیچ نظام سیاسی نبود. با پیدایش جنبش پلروو، این جنبش

خود را در صحنه جنگی یافت که از سوی دیگر نظریه های جامعه علیه آن شروع شده بودند. گروه های مغازه داران و تجار خصوصی انتقادهای تندی علیه آن ایراد می کردند و عنوان می کردند که تعاون با همکاری دولتمردان و پرداخت مالیات کمتر، رقابت ناجوانرذانه ای را با آنها شروع کرده ست. به همین منوال، Valio سازمان صادر کننده کره شکرهای تعاونی تولید لینیات محلی از سوی پخش کنندگان کره و مغازه داران متهم به تلاش در جهت از صحنه خارج کردن آنها شد. در همین زمان، در آلمان تعاونی های این کشور با قبول سوبسید از سوی دولت اصل خودیاری تعاون را نادیده گرفتند. این عمل سبب افزایش مالیات و تباهی طبقه متوسط جامعه شد که به دنبال آن برای مدت طولانی از سوی حکومت، کلیسا و احزاب سیاسی مورد انتقاد های شدید قرار گرفت.

جنبش تعاون در صدد جستجوی راهکاری بود تا از درآمد سرمایه داری کاسته و به سود کارگر افزوده شود؛ که تعاونی اتحادیه ای از سرمایه ها نبود بلکه مجموعه ای بود از افرادی که در جهت بالا بردن سطح زندگی خود با کمک همدیگر تلاش می کردند. شکل گیری جنبش تعاون در فنلاند هم زمان با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی بود. رهبران تعاون در این تغییرات همسنگر با نظریه پردازانی بودند که خواستار حفظ نظم موجود بودند. آنها خواستار تحرکی بطئی در نظام تولیدی کشور بودند. آنها طرفدار نظریه ای بودند که ارزش های اقتصادی لیبرالیسم نظیر صنعتی شدن را همراه با خودیاری و صرفه جویی می پذیرفتند. در نظام تولیدی آنها ابتدا به سوی تولید محصولات کشاورزی و مرحله به مرحله در راستای کشاورزی صنعتی و پرورش ژنتیکی احشام و صنایع پیشرفته قدم گذاشتند (Kuisma, ۱۹۹۹, ۳۵-۳۳).

در اواخر قرن نوزدهم عقاید ضد کاپیتالی و اصلاح اراضی به موازات هم در فنلاند حرکت می کردند. زمین داران مواد اولیه صادرات

اصلی کشور، یعنی صنایع چوبی و جنگلی را در اختیار داشتند. در این هنگام و همزمان با اصلاحات اجتماعی فنلاند، تعاونگرایان در صدد بودند تا جنبش - های ناسیونالیستی کشاورزان را متوجه مسیر اشتباه قرن نوزدهم که سبب افزایش اقتصاد کاپیتالیستی شده بود، جلب نمایند.

در ابتدا، فقط تعداد کمی از سرمایه داران بزرگ فنلاندی، به طور موقت سمت های اجرایی پلرو را بر عهده داشتند. این افراد بر خلاف نظر اکثر کشاورزان داعیه صنعتی شدن داشتند. در این زمان کشاورزان با بدگمانی به مسئله صنعت نگاه می کردند. اتحادیه پلرو با انتقاد از شیوه تولیدی زمین داران و همچنین صنایع جنگلی وقت در صدد پیوند این دو برآمدند که در نهایت با تاسیس Metsäliitto این امر تحقق یافت (Kuisma, ۱۹۹۹, ۳۶-۳۵).

با پیدایش تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در فنلاند مشکل کشاورزان بدون زمین نیز پدیدار گشت. مشکل عمده در این زمان واگذاری زمین به کشاورزان بدون زمین و همچنین ترغیب به کار بر روی زمین در خرده مالکان بود. برای چنین اقدامی لازم بود که برای کشاورزان وام پرداخت شود تا آنها به هنگام نیاز محصولات خود را به زیر قیمت به فروش نرسانند. چنین نگرشی به مسئله و همچنین تجربه ارزنده Gebhard در ایرلند، که مشاهده کرده بود خرده مالکان به راحتی اسیر باخواران می شوند، کمک به تشکیل تعاونی های اعتباری نمود. هدف از ایجاد این تعاونی ها تحت حمایت پلرو، کمک مالی به کشاورزان و همچنین پرداخت وام های بلند مدت برای خرید زمین و نیز ایجاد کارگاه های تبدیلی مواد کشاورزی بود. این تلاش ها سرانجام منجر به تاسیس OKO با حمایت مالی دولت شد. (Kuisma, ۱۹۹۹, ۳۸-۳۶)

با تغییرات سیاسی در کشور در دهه ۱۹۲۰ تغییراتی نیز در اتحادیه پلرو و تعاونی های فنلاند به وجود آمد. با قطع حمایت

اتحادیه کشاورزان از حزب فنلاندی ها این حزب به دو دسته مخالف و موافق تعاون تقسیم شدند. گروه مخالف خود حزب " ائتلاف ملی " را تشکیل دادند که معتقد بودند دولت در دست گروهی از صنعت گران و بازرگانان باشد. با این تغییر رویکرد بود که تعاونی های صنعتی نظیر تعاونی های صنایع جنگلی تشکیل شدند.

همچنین در رأس اتحادیه پلرو نیز اختلاف نظری پدیدار گشت. به این منظور که کشاورزان حامی دموکراسی و سردمداران اتحادیه سلطنت طلبان بودند. بالاخره با تثبیت شدن حکومت در دهه ۱۹۳۰، وضعیت تعاون و اتحادیه پلرو رو به بهبودی گذاشت زیرا بسیاری از اعضای کابینه دولت از اعضای مرکزی اتحادیه پلرو بودند. با پرداخت سوبسیدهای دولتی به کشاورزان و مخصوصاً تعاونی های خرید و فروش و پرورش احشام قدرت گرفتند. ولی پس از مدتی با جدا شدن این تعاونی های خرید و فروش، اتحادیه با بحران جدیدی روبه رو شد که با جایگزینی تعاونی های کشتار گاهی این مسئله نیز به خوبی حل شد.

در این زمان اگر چه اکثر اتحادیه در دست کشاورزان بود ولی سران OKO بانک همیشه از منتقدین شهری بودند. چنین نگرشی در OKO بانک سبب توسعه این نگرش، که جایگزینی شیوه های تولیدی صنعتی به جای شیوه های صرف کشاورزی بود، شد. (Kuisma, ۱۹۹۹, ۵۵-۴۷).

۲- رشد و توسعه

سال های پس از جنگ جهانی دوم، سال های وحشت از تهدید رشد احزاب سیاسی چپ بود. اتحادیه های کشاورزی جبهه مخالفی را نسبت به این مسئله گرفتند و از نظر سیاسی گرایش به حزب راست پیدا کردند. تلاش برای بهبود وضعیت کشاورزان فقیر سبب گرایش ایدئولوژیکی این اتحادیه ها به جبهه چپ شد. با توجه به نزدیکی حزب راست به اتحادیه پلرو، این حزب مواضع شدید ضد کاپیتالیستی به خود گرفت و در

جهت جمع‌گرایی و تمرکزگرایی سیستم اقتصادی ای را طرح‌ریزی کرد تا به وضع محرومان رسیدگی کند. با این تهدید بود که Valio دریافت که می‌بایست با تاسیس شعباتی در مناطق محروم و شمالی فنلاند جهت رفاه حال محرومان نیز قدم بردارد. با این شرایط دغدغه اصلی اتحادیه پلروو این بود که کشاورزان فقیر را از سیاست دور نگه دارد و همچنین با بیان کاستی‌های سیستم کاپیتالیستی علیه تجمع‌گرایی احزاب چپ در برابر تعاون، مبارزه کند.

این جناح بندی سیاسی سبب شد که خرده مالکان، بیش از پیش به سمت تعاونی‌های مصرف ایجاد شده از سوی جناح چپ کشیده شوند که بسیاری از محصولات را به طور مستقیم، از تولید کننده به مصرف کننده می‌رسانید. در سالهای پس از جنگ، "جنگ لبنیات" ظاهر شد که طی آن تعاونی‌های مصرف در جستجوی کنترل لبنیات بودند و با توجه به سیاست "از تولید کننده به مصرف کننده"، خرده مالکان را علیه تعاونی‌های لبنی و انحصارگرایی آنها بسیج می‌کردند. جنبش پلروو نیز در مقابل، تولید و عرضه محصولات لبنی را در Valio جمع کرد. اتحادیه فعالیت‌های OTK را مورد انتقاد قرار داد و کشاورزانی که هیچ تفاوتی میان این دو روش نمی‌دیدند، در این فکر بودند که روش دوم بسیار طبیعی‌تر از روش قبلی است. در طول دهه‌های ۵۰-۱۹۴۰ بازسازی بخش کشاورزی فنلاند آغاز شد. سیاست‌های منطقه‌ای رسمی در نتیجه مهاجرت توده وار مردم از روستاها به شهرها با شکست مواجه شدند. اواخر دهه ۱۹۶۰ سوسیال دموکرات‌ها را به همراه داشت که بر این عقیده بودند که می‌بایست بازار تولیدات کشاورزی را محدود کرد. برای نسلی که تمامی قوای خود را جهت بازسازی جامعه بعد از جنگ بسیج کرده بود، چنین نظری غیر قابل قبول بود. یکی از عکس‌العمل‌ها نسبت به گسترش این چنین موجهایی، شورش‌های دهقانی بودند که به جوامع تعاونی ختم می‌شدند.

این حزب جدید که متشکل از خرده مالکان بودند، سازمان‌های تولیدی و تعاونی را در مجلس و ملاقات‌های رسمی مورد انتقاد قرار می‌دادند.

در طول "دومین جمهوری" سال‌های پس از جنگ، تعاونی و دولت به طور فزاینده‌ای با هم متحد شدند. جوامع تعاونی هر دو وظیفه جدید و قدیمی "کمک به دولت" - توزیع سوبسیدهای نقدی و همچنین اعطای وام‌های عمرانی - را بر عهده داشتند. بدین صورت تعاون‌گرایان به عنوان واضعان قانون و وزیران کابینه معرفی شدند.

دهه ۱۹۳۰ سال‌های گذر بود، در ابتدا به خاطر فعالیت تعاونی‌ها و همچنین فعالیت‌های غیر مستقیم دولت که باعث رفع مشکلات اقتصادی خرده مالکان شد. دهه‌های پس از آن دوران یک سازمان قوی به نام MTK و سوبسیدهای دولتی برای کشاورزان بود.

در طی سال‌های جنگ دوم جهانی، تعاونی‌های مرکزی تجهیزات نظامی و ارتشی برای خط مقدم تهیه می‌کردند؛ و مدیران این تعاونی‌ها به عنوان "وزیر تدارکات" معرفی می‌شدند. تعاونی‌های اعتباری به خاطر این که مسئول اعطای بخش بزرگی از وام‌های عمرانی دولت بودند، پیوندهای عمیقی با دولت برقرار کردند. در سال‌های پس از جنگ بودجه دولت برای بازسازی Karelans، تنها از طریق تعاونی‌های اعتباری محلی بخش می‌شد. دولت با پرداخت سوبسید حمل و نقل به شرکت‌های تعاونی لبنیات، آنها را قادر ساخته بود تا شیر را از دور افتاده‌ترین مناطق کشور جمع‌آوری کنند. بدین ترتیب تعاون نقش مهمی در بازسازی و استقرار اقتصاد زمان جنگ داشت.

در سال‌های پس از جنگ اتحادیه پلروو از حمایت شدید لابی کشاورزان یعنی MTK و اعضای عالی رتبه حزب مرکزی حکومت برخوردار بودند. همچنین دولتمردان عالی رتبه به خوبی در جنبش‌های تعاونی

جای گرفته بودند. بالاترین میزان اعتماد به OKO بانک در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ به خاطر عضویت اعضای کابینه و پارلمان در آن، به وجود آمد. همانند رهبران MTK، رهبران حزب مرکزی نیز تمایل به عضویت در لایه‌های قدرت اتحادیه پلروو را داشتند. هر چند عضویت سیاست‌مردان عالی رتبه سبب افزایش قدرت اتحادیه پلروو و جنبش تعاونی می‌شد، اما اتحادیه به هیچ عنوان خود را از نظر ایدئولوژیکی درگیر مسایل سیاسی نکرد (Kuisma، ۱۹۹۹، ۶۳-۶۲)

۳- تحکیم و تمرکزگرایی

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ چنان می‌نمود که بندهای اتحاد تعاونیها در حال گسستن است. حمایت‌های MTK از پلروو و تعاونی‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفته بود. OKO بانک از حالت تعاونی اعتباری مختص کشاورزان خارج شده بود و به سوی شهرها که مشتریان آینده آنها در آنجا ساکن بودند کشیده می‌شد.

MTK بانگ‌رش اقتصادی و پلروو با نگرش تولیدی به تعاونی‌ها نگاه می‌کردند. شیوه‌های عضوگیری SOK و OKO این سوال را مطرح کرده بودند که «آیا باز هم پیوند اتحادی بین تعاونی و اتحادیه پلروو وجود دارد؟»

در اوایل دهه ۱۹۶۰ تعاونی‌های کشتارگاهی راه تعاونی Valio را پی‌موندند و برای گسترش فعالیت‌های خود اقدامات اساسی انجام دادند (Kuisma، ۱۹۹۹، ۶۷-۶۶)

۴- اصلاح و تمرکززدایی

مباحثات دهه ۱۹۸۰ در مورد تعریف و ارزش‌های تعاونی این مسئله را مطرح نمود که آیا زمان ارزش‌های هسته‌ای و اولیه تعاونی سپری شده است. جوامع تعاونی همان روش‌هایی را در پیش گرفته بودند که رقبای آنها؛ و جنبش تعاونی به هیچ عنوان نشانگر همکاری‌های زمان گذشته و با این ایده که اعضا مسئول خویش هستند، نبود. در تعاونی‌های در حال رشد از تاثیر اعضا

کاسته شده بود، به خصوص در تعاونی های خدماتی شهری، در حالی که تعهدات اعضا همانند تعاونی های کشاورزی چندان مهم نبود. بدین صورت سخت به نظر می رسید که از پایه های اساسی تعاونی نگهداری کرد.

پس از برطرف کردن این موانع، تعداد اعضا بهترین مقیاس برای موفقیت تعاونی بود. در مدت زمان قانونمند ساختن تعاونی ها، روابط تعاونی ها با دولت از اهمیت بسزایی برخوردار بود. از آن زمان به بعد روابط با بازارها و رقبا قابل اهمیت شد. در سال ۱۹۰۵، تعاونی ها جنبشی رادیکال محسوب می شدند. پس از جنگ جهانی دوم آنها جزئی از اقتصاد بازار شدند، و پس از آن، آنها به عنوان یکی از ارکان نظام اقتصادی، قانونمند شدند که MTK نیز به عنوان سخنگوی آنها عمل می کرد. در طی دهه ۱۹۹۰، عملیات تعاونی های سنتی به عنوان کسب و کار و فعالیت های تجاری، برای اقتصاد ملی اهمیت داشت اما هیچ اهمیت خاصی در اصلاحات اجتماعی و سیاسی نداشتند.

یکی از تغییرات ایدئولوژیکی اصلی در دهه ۸۰ تبدیل تعاونی ها به کارخانه ها بودند، و قسمتی از فعالیت ها جدا شده و به شرکت های سهامی سپرده شدند. تعاونی شخصیت رقابتی خود را حفظ کرد، اما در ذهن سهامداران آنها کسب و کارهایی بودند که "در مسیر طلوع خورشید حرکت می کردند". تعاونی مجبور بود تا اعضا و تصویر خود را به طور جدی حفظ کند. در اوایل دهه ۹۰، شخصیت جنبش به دلیل ورشکستگی گروه Hankkija-Novera زیر سوال رفت. سرنوشت Hankkija و شکست بدترین چالش برای همبستگی تعاونی، پیشروی جنبش تعاونی، سوالاتی را در پیرامون طبیعت و آینده تعاون مطرح ساخت.

تغییرات بنیادی دهه ۹۰ که ناشی از پسروی اقتصادی، بحران بانکی و زیاد شدن رقابت بین المللی بود، قوانین جدید رقابتی، ادامه فعالیت های گذشته متمرکز تعاونی

در سطح ملی را غیر ممکن ساخت. زمانی که این فرصت پدید آمد، مناطق تلاش کردند تا خود به برتری برسند؛ تعاونی های گوشتی از ادامه همکاری با اتحادیه مرکزی TLK سرباز زدند، و همچنین انشعاباتی در Valio و سازمان های بانک های تعاونی رخ داد. ترس از اتحاد کار خاتجبات لبنی باعث از هم گسیختگی کارخانه های لبنی متحد گذشته شد. در داخل گروه بانک های تعاونی، بانک های کوچک و یکپارچه از لحاظ مالی روستایی، از سیاست های اعطای وام بی ملاحظه بانک های شهری ناخشنود بودند و از سازمان قدیمی بانک ها عقب کشیدند. قبل از این، اتحادیه پلروو برای یکپارچگی بخش های مختلف جنبش تعاونی فعالیت می کرد، اما اکنون حتی یکپارچگی در میان بخش های همسان نیز در معرض تهدید بود.

برای چندین دهه تاسیسات اداری، محلی و سیاست های کشاورزی، به گونه ای در مناطق نامساعد در جستجوی آرام نگه داشتن کل کشور و زنده نگه داشتن کشاورزی بوده اند. با پرداخت قیمت یکسان به تمامی تولیدکنندگان بدون اعتنا به موقعیت مکانی آنها، اتحادیه های تعاونی به حمایت اساسی توسعه متوازن منطقه ای پرداخته اند. اما کشاورزان فنلاندی در دهه ۹۰ با باز کردن بازار مواد غذایی به روی رقابت بین المللی با مشکلات شایان توجهی روبه رو شدند. این نگرانی رو به رشد در زمینه صنایع غذایی، متعلق به مواد خام داخلی بود. در برخی مناطق، کمی جمعیت روستایی سبب متزلزل شدن بانک های تعاونی محلی شد. علاوه بر آینده کشاورزی، استان ها همچنین علاقه مند به تمرکز تولیدات تعاونی در مناطق جنوبی فنلاند بودند. به ویژه Valio می بایست برای بازسازی با تمرکزگرایی مبارزه می کرد. بسیاری از کارخانه های کوچک لبنیاتی از ترس بسته شدن، سازمان را ترک کردند. این مقیاس ها حتی برای تصمیم گیرندگان نیز به خاطر

مشکلات اشتغال، بسیار مشکل بوده است. در میان دیگر مسولین استان های شمالی به تغییرات زمینه روابط بین توسعه منطقه ای و تعاونی اشاره کرده اند. مناطق شمالی با کمبود امکانات فرآوری شیر، کشتارگاه ها، انبارهای مرکزی و حتی انبارهای غله مواجه بودند. در میانه دهه ۹۰ فنلاند به اتحادیه اروپا پیوست و هم اکنون تفکر نجات و تامین آینده استان ها و مناطق بر اساس شایستگی های خود امری عادی محسوب می شود. تعاونی ها اصولاً پاسخگوی این نیازها بودند. اتحادیه پلروو توسعه جدید استان ها را یکی از موضوعات اصلی خود در دهه ۹۰ قرار داده بود. تقسیمات منطقه ای برای تعاون، تعیین کننده هستند، که همیشه باعث تصمیم گیری و عمل در سطح محلی شده اند. هر چند در فلسفه شرکت های تعاونی، پراکندگی های درون گروهی افزایش یافته بر پایه های منطقه ای مخرب است، به علاوه هویت محلی گاهی اوقات با شخصیت ملی تولیدات تعاونی و مالکیت فنلاندی آن در هم آمیخته می شود. تعاونی های تولیدی از تاثیرات سیاسی خود و همچنین ارتباط سنتی خود با حزب مرکزی و سوسیال دموکرات ها سودی بردند؛ و روزی رسید که رئیس جمهور فنلاند هیچ ارتباطی به حزب مرکزی نداشت. در سال ۱۹۸۷ برای نخستین بار پس از سال ها حزب با تضاد دولت روبه رو شد. مقام وزارت کشاورزی، که به طور سنتی از حزب مرکزی بود، حال به یکی از اعضای محافظه کاران که با MTK همکاری می کرد تعلق گرفت. با وجود این، اوضاع سازمان های تولیدی و جمعیت های کشاورزی بدتر شد. دولت جدید سوسیال دموکرات محافظه کار و سیاست های طرفداری از مصرف کنندگان آن در میان تولید کنندگان محبوب نبود.

جوامع روستایی فنلاند به صورت سنتی از سه پایگاه برای حفاظت از منافع خود و همچنین بیان دیدگاه های خود استفاده می کردند: حزب مرکزی، MTK و اتحادیه های مرکزی تعاونی.

زمان پیدایش پلروو

جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۴۵ به علت تحقیقات در زمینه رویش گیاهان هرز در مزارع به A.I. Virtanen و همچنین جایزه ادبیات نوبل در سال ۱۹۳۹ به F.E. Sillanpää تعلق گرفت. ولی مسئله مهم، این است که تحقیقات Virtanen از سوی Valio، که شرکتی است مشتمل بر تعدادی از تعاونی های لبنیاتی محلی، که سهامداران آن کشاورزان بودند، حمایت مالی می شد. بعدها تحقیقات Virtanen با حمایت های تعاونی، Valio، Hankkija، SOK، OKO و سه بانک دیگر در سال ۱۹۳۱ با تاسیس موسسه تحقیقات شیمی گسترش پیدا کرد. در مورد Sillanpää نیز وی در سال ۱۹۱۹ با انتشار رمان "میراث اطاعت" به جهان ادبیات معرفی شد. این رمان در مورد مشکلات توده های بدون زمین فنلاند بود که راه حل مشکلات آنها روی آوردن به تعاونی بود. (Kuisma، ۱۹۹۹، ۱۰)

بر خلاف روح تعاونی که نشأت گرفته از جنبش مردم است، نهضت تعاونی فنلاند با تصمیم ۸۰ نفر از نخبگان سیاسی، دانشگاهی و اقتصادی فنلاندی در سال ۱۸۹۹ در خوابگاه دانشجویی دانشگاه هلسینکی شکل گرفت. تعاونی در فنلاند به دلیل ایجاد روح همکاری در میان ملت فنلاند در برابر اشراف سالاری تزار روس شکل گرفت. "در برابر این خطر کشور بزرگ ولی کم جمعیت فنلاند نیاز به اتحاد و نزدیک کردن طبقات داشت و به نام اتحاد ملی، عملی سریع در جهت کاهش فاصله های طبقاتی داشت. یکی از مهم ترین نیازها در این زمینه بالا بردن آگاهی و دانش سیاسی - اجتماعی بزرگترین گروه کشور، یعنی کشاورزان بود. این عمل متضمن آزادی اجتماعی، اقتصادی و آموزش آنها و همچنین رعایای بدون زمین و نیز قشر کارگر شهری و روستایی بود. بهترین راه حل برای حصول این نتایج، تشویق کردن مردم برای شرکت در تعاونی ها بود." (Kuisma، ۱۹۹۹، ۱۳)

۱۲، ۱۹۹۹)

تعاون در اروپا هدف نبود بلکه وسیله ای برای دستیابی به اهداف اجتماعی بر حسب اهمیت ملی بود. اما آنچه سبب رشد سریع تعاونی ها شد، گسترش آزادی رقابت اقتصادی، یکپارچگی اقتصادی اروپا و تغییر تدریجی در تولید کشاورزی برای بازار بود. بدین سبب رسالت اندیشمندان میهن پرست فنلاندی برای تشکیل اتحادیه پلروو موثر واقع شد و کشاورزانی که نسل ها پیش از این تجربه همکاری با یکدیگر را داشتند به جنبش پلروو پیوستند؛ و پس از دو یا سه دهه این کشاورزان مالک کارخانه هایی شدند که می توانستند به مقدار کافی برای بازار داخل و حتی صادرات تولید داشته باشند. بر اثر این تحولات، در آغاز قرن منحنی رشد فنلاند به طور شگفت انگیزی بالا رفت. در این دوره فنلاند از حالت یک کشور پیرامونی کشاورزی، با رشدی سریع در کمتر از یک قرن، صنعتی و شهری شد. بر اثر این تحولات، کشاورزی و در طول دهه ۱۹۵۰ اهمیت خود را از دست داد. تحول سریع سبب صنعتی شدن صنایع چوبی و جنگلی این کشور گشت و صنعتی شدن و جهانی شدن سبب تحول تعدادی از شرکت های برجسته فنلاندی شد؛ و با توجه به میزان درآمد و رفاه اجتماعی، فنلاند، هم اکنون یکی از کشورهای پیشرفته جهان است. باید اذعان داشت کارخانه هایی که همراستا با جنبش پلروو به وجود آمدند اهمیت بسزایی در رشد اقتصادی مردم داشته اند. در سال ۱۹۹۸، کارخانه هایی که عضو اتحادیه پلروو بودند، با برگشت سرمایه ای به میزان ۱۰ میلیارد دلار، در حدود ۴۵ هزار نفر کارمند و بیش از ۱،۴ میلیون نفر عضو داشت. این ارقام در مورد میزان برگشت سرمایه و تعداد کارمند هم ردیف با غول ارتباطاتی نوکیا و UPM Kymmene بزرگترین کارخانه کاغذسازی جهان است) (Kuisma، ۱۹۹۹، ۱۶-۱۳).

گروه های تعاونی فنلاند عضو پلروو

مسئول تولید هفتاد و چهار درصد از محصولات گوشتی و پروتئینی، نود و شش درصد محصولات لبنی، پنجاه درصد تولید تخم مرغ، سی و چهار درصد محصولات جنگلی را در اختیار دارند (اینترنِت - ica.coop). در سال ۱۹۹۷، هفتاد و نه درصد از محصولات کشاورزی نیز از طریق تعاونی ها تولید شد (copacgva.org)

در سال ۱۹۹۸ بیش از نود و شش درصد مراحل جمع آوری و تولید شیر از طریق کارخانه های لبنی تعاونی انجام می شد، بزرگترین کارخانه لبنیاتی فنلاند Valio Ltd. دهمین کارخانه لبنی اروپا بود، سی و سه درصد کل سپرده ها در فنلاند در بانک های تعاونی بود، سوالی که در این زمینه مطرح است، این است که چگونه حرکت کشاورزان به چنین تحول عظیمی نایل آمد؟ یکی از همان تحولات، تحولی بود که در دهه ۱۹۲۰ با اتحاد صد ها هزار جنگلدار کوچک به وجود آمد و صنایع جنگلی و چوبی عظیمی را شکل داد تا از استثمار جنگل ها به دست الیگارشلی کوچکی جلوگیری شود (Kuisma، ۱۹۹۹، ۱۶).

امروز پلروو شامل ۴۳۰ شرکت عضو است که بیشتر آنها در زمینه شغلی خود از رهبران بازار محسوب می شوند. پلروو شامل شرکت های تولیدی و مصرفی می باشد و همچنین دارای اتحادیه ای جهت فعالیت برای افزایش تعداد تعاونی های جدید می باشد.

- فعالیت های پلروو شامل موارد زیر است:
- سازمانی خدماتی برای تعاونی های فنلاندی
 - محلی برای فعالیت های تعاونی
 - سازمانی تخصصی برای فعالیت های تعاونی
 - سازمانی اختصاصی برای توسعه تعاونی
 - فعال و مروجی ملی و بین المللی برای اهداف اعضا (Pellervo.fi)

ادامه دارد...